

افسار گسیختگی قیمت دلار، تسویه حساب جناحی یا ناکارآمدی مدیریتی؟

دیپلماتیک خود را کاهش دهند و یا قطع کنند و این نیز به مشکلی بزرگ در سر راه روحانی و کابینه دولت تبدیل شده است. اما راه حل روحانی برای حل این معضل چیست؟

حسن روحانی درصدد آن است با کاهش دادن فعالیت های اقتصادی سپاه و نیروهای وابسته به آن و محدود کردن منابع مالی آن، سپاه پاسداران را از گود سیاست گذاری ها و دخالت های سیاسی آن خارج کرده و عملاً آن نقش مغل را از سپاه پاسداران بگیرد.

خلاصه هر دو جناح دولت و سپاه یکدیگر را عامل به وجود آمدن شرایط حال حاضر میدانند و در این میان تنها مردم فراموش شده ایران، کماکان سرشان بی کلاه مانده است.

یکی از راهکار های روحانی برای تضعیف سپاه، بازپس گیری گذرگاه های مرزی رسمی و غیر رسمی از آن نهاد نظامی بوده است و سپاه در واکنش به این تصمیم با بستن مرزها در چند روز اخیر به ویژه گذرگاه های مرزی شرق کوردستان و در نتیجه راکد شدن بازار بازاریان مردم همیشه در فقر کورد که تنها راه تامین معیشتشان از این مرزهاست، به دنبال به وجود آوردن جو ضد روحانی در این مناطق است تا اینکه اینگونه به روحانی هشدار داده باشد. به هر حال در تسویه حساب های این دو جناح مکار، فاسد و فاقد لیاقت تنها و تنها مردم متضرر میشوند چرا که جیب آقایان و آقازاده ها و همان هایی که ژنهایشان از ژن برتر است، از دلار های نفتی سرریز می کند در حالیکه مردم اسکناس های بی ارزش ملی هم به جیب ندارند.

اما در رابطه با اوضاع شرق کوردستان در این شرایط بد اقتصادی باید گفت که فقر و نبود کارگاه ها و کارخانه های بزرگ تولیدی منجر شده است، مردم شرق کوردستان همانند سایر مردم شهر های مرز نشین ایران که جزو مناطق محروم به حساب می آیند، مشاغل ایجاد شده بوسیله گذرگاه های مرزی و همجواری با کشور ترکیه، عراق و اقلیم کوردستان را غنیمت شمرده و از طریق تاسیس بازارچه های مرزی و فروش اجناس با قیمت مناسب به ارتزاق پیردازند. اما در این مدت که جوانان بیکار شرق کوردستان بوسیله شغل های ایجاد شده در بازارچه های مرزی لقمه نانی را به دست آورده اند، نیروهای امنیتی و نظامی همچون سپاه و بسیج و نیروهای وابسته به ارگان های دولتی همچون نیروی انتظامی، با تمام امکانات دست به کارشکنی زدند و با بستن مرزها از سوئی و از سوی دیگر کاهش تحقیرآمیز ارزش ارز داخلی آن لقمه نان را نیز آجر کرده اند و گویا برایشان اهمیتی ندارد مردم شب با شکم خالی بخواب می روند یا نه! همین که خودشان سیر باشند کافیتست. اعتصاب بازاریان و کسبه ی شهر های شرق کوردستان همچون جوانرود، بانه، مریوان، مهاباد و سایر شهر های کورد نشین، نشان دهنده بی توجهی مسئولین نظام نسبت به وضع موجود



حسن روحانی درصدد آن است با کاهش دادن فعالیت های اقتصادی سپاه و نیروهای وابسته به آن و محدود کردن منابع مالی آن، سپاه پاسداران را از گود سیاست گذاری ها و دخالت های سیاسی آن خارج کرده و عملاً آن نقش مغل را از سپاه پاسداران بگیرد.

اول ریاست جمهوری روحانی و کوشش دادن وعده معیشت بهتر با ادامه دادن سیاست های او و کابینه اش در دوره بعدی و شکست جناح های رقیب از جمله جناح سپاهیان در 92، بار دیگر روحانی بر مسند ریاست جمهوری نشست. وعده های روحانی در خصوص تثبیت قیمت دلار و تک نرخی کردن آن هیچ کدام عملی نشد و جناح سپاهیان هرآنچه که در توان داشتند به کار گرفتند تا اینکه روحانی و کابینه اش را بی کفایت نشان دهند و در چندین شهر توسط نیروهای مربوط به خود تظاهرات هایی در جهت اعتراض به گرانی و افزایش فشار بر روحانی را سازماندهی کردند.

این بحث ها که سپاه نمونه ای از یک دولت در دولت دیگر است، برکسی پنهان نیست. فعالیت های اقتصادی داخلی و خارجی سپاه چنان نیروی اقتصادی ای به آن بخشیده که دولت های جمهوری اسلامی نمی توانند هیچ گونه دخالتی در سیاست گذاری های آن ایفا کنند. بخش وسیعی از انتقاد های حسن روحانی مبنی بر اینکه عده ای کارشکنی می کنند و میخواهند برجام نباشد منجر به سپاه و نیروهای مربوط به سپاه می شود. فعالیت های تروریستی سپاه و شدت بخشی به روند تولید موشک های بالستیک و توسعه شهرهای زیر زمینی موشکی منجر شده است کشورهای جهان از جمله آمریکا و اتحادیه اروپا و همچنین کشور های عربی ارتباطات اقتصادی و حتی

حالی که کشور ایران از نظر منابع روزمینی و زیرزمینی غنی است و یکی از کشورهای ثروتمند جهان محسوب می شود، چرا باید کسری بودجه پیدا بکند؟

صرف درآمد های میلیارد دلاری کشور در دخالت و به وجود آوردن اغتشاش در کشورهایی نظیر سوریه، یمن و عراق و سایر کشورهای منطقه، حمایت مالی و تسلیحاتی همه جانبه از رهبران دیکتاتور و جلادی که به خون مردمشان تشنه اند، اختلاس های هزاران میلیارد تومانی رهبران مدیران ارشد فاسد جمهوری اسلامی، افزایش بودجه های نظامی در جهت تقویت بنیه تولید موشک های بالستیک و برنامه های تسلیحاتی نامتعارف و ... که همگی به سیاست های ناصحیح و ابلهانه و یا عمدی جمهوری اسلامی برمی

عده ای دیگر بر این باورند جناح بندی های سیاسی در داخل نظام عامل به وجود آمدن شرایط موجود اقتصادی است. خروج صدها میلیون دلار در چند ماهه اخیر توسط فرزندان رهبران جمهوری اسلامی به خارج از کشور میزان تقاضا را بر عرضه پیش انداخته و زمینه گران شدن ارز های خارجی را فراهم نموده است. دولت روحانی که از ابتدا با شعار های اقتصادی وارد اتمی و حل مسئله هسته ای، مسئله اقتصاد نیز خود به خود حل خواهد شد و وضع اقتصادی مردم بهبود پیدا خواهد کرد. پس از پایان دوره

خواسته های به حق خود هستند، نشان و دلیلی مبرهن بر واهمه سران جمهوری اسلامی از ادامه روند مسالمت آمیز اعتراضات مردمی است.

در این قسمت سوالي مهم و درخور تامل وجود دارد که: آیا این کاهش ارزش ارز داخلی سیاست خود سران جمهوری اسلامی است یا نه؟ اگر اینگونه است، چه هدفی دارند و به دنبال چه هستند؟ با در نظر گرفتن تمامی جوانب این بحران و وضعیت موجود می توان گفت بخشی از سیاست های یک دهه اخیر جمهوری اسلامی در راستای کاهش ارزش پول رایج کشور بوده است. سیاستی که تا به الان جز فشار روز افزون اقتصادی و روانی بر مردم چیزی به دنبال نداشته است، فشاری که می تواند منجر به

پيامد های ناگوار و جبران ناپذیر اجتماعی نیز گردد. اما هدف از این سیاست های اقتصادی چیست؟ این روزها انگشت همه اتهامات رو به روحانی و کابینه اوست، که گویا دولت وی برای تامین کسری بودجه با کاهش دادن ارزش پول ملی به دنبال رفع این کسری است. اما آیا این تأثیری در بهبود وضعیت معیشتی مردم دارد؟ خیر، درست است قشر حقوق بگیر و حتی صاحبان مشاغل آزاد همان دستمزد را دریافت می کنند اما قدرت خرید شان کاهش پیدا کرده است، قبلاً با همان دستمزد توانسته اند مخارج و مایحتاج خانواده را تأمین کنند اما امروز این توانایی را ندارند. اما این کسری بودجه برای چیست، در

ن: هیژا

ثبات ارزش پول رایج کشورها یکی از شاخص های مهم برای سنجش کارآمدی مدیران اقتصادی است، اما متأسفانه به ویژه پس از روی کار آمدن جمهوری اسلامی و در پیش گرفتن سیاست های خصمانه از سوی رهبران آن علیه کشورهای منطقه ای و فرامنطقه ای و همچنین ناکارآمدی و فساد اقتصادی رهبران جمهوری اسلامی و مدیران اقتصادیشان، شاهد اعمال تحریم های اقتصادی گسترده و بی سابقه در تمامی بستر های اقتصادی کشور بوده ایم. علاوه بر تحریم ها نزاع های جناحی هم در سیستم جمهوری اسلامی در پایین آمدن ارزش پول رایج کشور تأثیر بسزایی داشته است. نتایج بی ثباتی ارزش پول رایج کشورها در درجه اول متوجه مردم و قشر بازاریان می گردد. بی ثبات بودن ارزش ارز داخلی اگر در جهت افزایش قدرت خرید مردم باشد بی شک مناسب است اما در ایران نتیجه ی بی ثباتی ارزش ارز داخلی همواره در جهت کاهش قدرت خرید مردم بوده به نحوی که بهای ارزهای خارجی در برابر ارز داخلی چند هزار برابر شده در حالیکه درآمد و حقوق و مزایای مردم چند ده برابر هم نشده است.

به عنوان مثال بخشی از مایحتاج خانواده های ایرانی از اقلام وارداتی تامین میشود و شخص وارد کننده بنا بر عرف موجود با ارز رایج بین المللی که دلار باشد اجناس را وارد میکند و اینگونه است که بهای ارزها تأثیر مستقیمی در زندگی مردم دارد، ارز داخلی کم بها بشود، قیمت اجناس و کالاها بالا می رود و یکی از دغدغه های اصلی مردم معترض ایران بحث گرانی اجناس و اقلام خوراکی و غیر خوراکی است که از بدو تولد جمهوری اسلامی تا به امروز همراه مردم بوده و نای را بر آنها تنگ کرده است به گونه ای که دغدغه های اصلی مردم که در ابتدای انقلاب 57 مسائل سیاسی و آزادی های بیان بود، از آن فاصله گرفته و به سوی دغدغه های معیشتی تغییر جهت داده است و این نمود بارز سیاست های رهبران جمهوری اسلامی می باشد که همواره کوشیده اند مردم را گرسنه نگاه دارند چراکه از دید آنها مردم گرسنه راحت تر اداره می شود و از اینکه مردم دغدغه معیشتی نداشته باشند بیم دارند.

با این اوصاف آنچه که معلوم است این است که مردم ناراضی اند و در گوشه و کنار ایران دست به تظاهرات و اعتصاب میزنند و مسئولین نیز با وعده های پوشالی و سرخرمنی دیگر کاری از دستشان بر نمی آید، چرا که این مردم در پی مطالبات معیشتی، خواهند توانست مطالبات مربوط به مسائل سیاسی و آزادی های اجتماعی را نیز بگنجانند و زمینه های براندازی نظام دیکتاتور را سریع تر به وجود بیاورند. حضور آتی نیروهای ضد شورش نیروی انتظامی، بسیج و سپاه و برخورد ضدانسانی و استفاده از زور در برابر مردم مظلوم ایران حتی در اعتراضات مسالمت آمیز مردم که خواهان برآورده شدن